

Evolution of Criminal Drug Policy; Effects and Challenges

Ali Morad Heydari

1. Associate Professor, member of the Faculty of Law Department of Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.

Abstract

According to the note of Article 45 of the Anti-Narcotics Law, the perpetrator will not benefit from the suspension of the execution of the sentence, parole and other social institutions, except for the amnesty of the leadership position.

On 04/07/1401, “the plan to add an article to the law on reducing the punishment of imprisonment” was announced by the parliament, which, if approved, will replace the note of article 45.

The question of whether this possible change can be considered as a turning away from “strict criminal policy” and choosing “friendly criminal policy” in dealing with drug crimes?

In this first article, the manifestations of “friendly criminal policy” in the upstream documents, general criminal policy and specific criminal policy have been examined.

Then, the general approaches of the criminal policy of drug addiction and the two views of “absolute prohibition” and “absolute necessity” of the application of drug addiction regulations have been criticized and analyzed And after that, the approach of relative and case-by-case application in the framework of “harmonious drug policy” has been proposed as a way out of practical conflicts in the light of unanimous decisions.

Keywords: Narcotic criminal policy, Strict criminal policy, Friendly criminal policy, Drugs, Trafficking, The law on reducing the punishment of imprisonment



Article Type:

Original Research


Pages: 99-122

Received: 2023 January 05

Revised: 2023 March 15

Accepted: 2023 June 06



 This is an open access article under the CC BY licens.

*Corresponding Author: a.m.heydari@hmu.ac.ir

تحول سیاست کیفری مواد مخدر؛ جلوه‌ها و چالش‌ها

علی مراد حیدری

دانشیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

چکیده

ناکارآمدی تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص محروم سازی مرتکبین این جرایم از نهادهای ارفاقی، موجب شد در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ «طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» از سوی مجلس اعلام وصول شود که در صورت تصویب، جایگزین تبصره ماده ۴۵ خواهد شد. پرسش اینکه آیا گذار از رویکرد کیفری «سختگیرانه» به رویکرد کیفری «ارفاقی» در قالب یک تحول واقعی و در چارچوب «سیاست کیفری روزآمد» قابل تحلیل است یا اینکه تنها انفعال در برابر ناکارآمدی رویکرد نخست است؟

در این نوشتار به روش کتابخانه‌ای نخست جلوه‌های سیاست کیفری ارفاقی در اسناد بالادستی بررسی شده، سپس رهیافت‌های کلی سیاست کیفری ارفاقی مواد مخدر و دو دیدگاه «منع مطلق» و «بایستگی مطلق» اعمال مقررات ارفاقی نقد و تحلیل شده است و پس از آن رویکرد کاربست نسبی و موردی در چارچوب «سیاست ارفاقی در جرایم مواد مخدر» در پرتو آراء وحدت رویه به عنوان راهکار برون رفت از تعارضات کاربردی مطرح شده است.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری مواد مخدر، سیاست کیفری سختگیرانه، سیاست کیفری

ارفاقی، مواد مخدر، قاچاق، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۹۹-۱۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن، مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است و آخرین اصلاحیه آن در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ تصویب شده است که به موجب آن از یک سو در متن ماده ۴۵ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر، موارد مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر محدود شده (ذبحی، ۱۴۰۰: ۵۳۶) و از سوی دیگر برابر تبصره ماده ۴۵ این قانون، در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد، در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود - جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸) -، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام رهبری بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی هم که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی، به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند (خلیل زاده و حسنی، ۱۳۹۸: ۶۷).

با وجود این، از یک سو آراء وحدت رویه صادره از دیوان عالی کشور تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر را تعدیل کرده و مواردی مانند تخفیف مجازات در اثر اسقاط حق یا استرداد تجدید نظرخواهی (موضوع ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری) و نیز اعمال تخفیف مضاعف بر مجازات تخفیف یافته در اثر عفو را به رسمیت شناخته است، و از سوی دیگر در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اعلام وصول شده که به موجب آن اولاً حداکثر و حداقل مجازات حبس تعزیری مواد مخدر در مورد محکومین فاقد سابقه کیفری مؤثر به «نصف» تقلیل یافته و ثانیاً برابر تبصره الحاقی به ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، «کلیه تدابیر ارفاقی و اصلاحی موجود در قانون مجازات اسلامی» در خصوص مجرمین مواد مخدر - به جز مرتکبین دارای شرایط موضوع بندهای الف و ب و پ و ت ماده ۴۵ - قابل اجرا دانسته شده است! این رویکرد که منتهی به حذف تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و

جایگزینی آن با تبصره جدید می شود، نشانگر رویگردانی از راهبرد «جنگ علیه مواد مخدر»^۱ و گرایش به راهبرد «کاهش آسیب»^۲ و در پیش گرفتن روش های درمان محور^۳

۱. "Drugs on War" واژه ای است که در آمریکا به کارزار ممنوعیت مواد مخدر، کمک نظامی و مداخله نظامی با هدف محدودسازی و کاستن از تجارت غیرقانونی مواد مخدر اطلاق می شود. تخمین زده شده است که آمریکا سالانه ۵۱ میلیارد دلار برای جنگ با مواد مخدر خرج می کند. در این راستا مجازات های جرایم مواد مخدر در بین جوانان آمریکایی تقریباً همواره حذف دائمی یا شبه دائمی از فرصت های آموزشی، محرومیت از حق رأی و بعدتر از آن ایجاد فهرست سیاه های جنایی است که استخدام شدن را بسیار دشوار می کند. (Nilsen & Blumenson, ۲۰۱۵: ۴۳) در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۱ رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا با بیان اینکه سوء مصرف مواد مخدر دشمن شماره یک آمریکاست، جنگ علیه مواد مخدر را شروع کرد. در این راستا سیاست های ناطربه تقاضا رویکردهایی سختگیرانه و بدون مسامحه بودند که ضمن شناسایی مسئولیت کیفری برای مصرف کنندگان، براعمال کیفرهای شدید تمرکز داشتند. (مؤذن زادگان و فرجی، ۱۳۹۷: ۴۳)

۲. اصطلاح کاهش آسیب یا زیان کاهی "Reduction Harm" اولین بار در سال ۱۴۸۱ به سیاست ها و برنامه هایی اطلاق شده که هدف اولیه آنها کاهش عوارض ناگوار بهداشتی در مصرف مواد بود. برای رویکرد کاهش آسیب که دستاورد علم پزشکی است، این تعریف مطرح شده است: «سیاستی که جایگزین نوینی برای جلوگیری از آسیب های بالقوه در رفتارهای پرخطر افراد جامعه است». هدف اصلی در رویکرد کاهش آسیب، حمایت از افرادی است که عادات رفتاری مانند مصرف مواد مخدر یا آمیزش جنسی کنترل نشده دارند، به گونه ای که از لحاظ سلامت، در معرض رفتارهای پرخطر باشند (Poulin, ۲۰۰۶: ۱). در ایران نیز به گفته برخی محققان نظام عدالت کیفری ایران بعد از انقلاب اسلامی در راه مقابله با سوء مصرف مواد مخدر به کنش ها و واکنش های متعددی متوسل شده، اما هیچکدام منتهی به کاهش میزان مصرف نگردیده است. از این رو در سال های اخیر دولت بر استفاده از رویکرد کاهش آسیب های سوء مصرف متمرکز شده تا حداقل بتواند از آسیب هایی که به مصرف کننده و جامعه وارد می شود، جلوگیری نماید. (رحیمی پور، حبیب زاده، محقق داماد و فرجیها، ۱۳۹۵: ۸۴).

۳. نمونه جالب در این زمینه اقدام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال های اخیر است که به منظور جلوگیری از سرایت بیماری ایدز و هیپاتیت اقدام به توزیع سرنگ و سوزن و سایر اشیاء مورد استفاده شخصی معتادان و مبتلایان به ایدز و اجرای برنامه های درمان نگهدارنده متادون نمود. این رویکرد بازتاب گسترده ای در محافل علمی و حقوقی بین المللی داشت که در ادامه چند مورد از اظهار نظرات نقل می شود: دکتر احمد محیط (مدیرکل بهداشت روانی مصر): «من شخصاً از موفقیت برنامه های شجاعانه، موفق و مبتکرانه ایرانیان که دارد در دنیا بیش از پیش شناخته می شود احساس غرور می کنم.»؛ الکس وُداک (رئیس بخش الکل و مواد مخدر بیمارستان سنت وینسنت استرالیا): «ای کاش کشورهای دیگر هم مثل مسئولین ایرانی در مورد بهداشت و سلامت عمومی این گونه احساس مسئولیت می کردند آن وقت در سال ۲۰۰۵ مشکلی به نام ایدز با این ابعاد وجود نداشت»؛ ژریت نیومن (فعال در امور کاهش آسیب در آمریکا): «واقعاً تعجب برانگیز است خصوصاً برای یک آمریکایی که سیستم قضایی کشورش بطور عادی و هر هفته از قضاتی نمونه می آورد که درمان پزشکی اعمال می کنند به ویژه قضاتی که معتقدند پیروی از درمان پزشکی یک پزشک به زندان ختم می شود. من امیدوارم آمریکا هم از همکاران خود در جمهوری اسلامی ایران درس بیاموزد»؛ تام اسمیت (مدیر اجرایی شبکه آسیایی کاهش آسیب Ahran تايلند): «بسیار جالب است ... Ahran هم مثل

در عرصه مدیریتی، و چرخش از «سیاست کیفری سختگیرانه» به سوی «سیاست کیفری ارفاقی» در عرصه حقوقی است.

اهمیت نوشتار حاضر از این جهت است که قصد دارد با نشان دادن چالش‌های تغییر راهبرد تقنینی، دست اندرکاران تصویب طرح را به اندیشه بیشتر وادارد تا با پرهیز از دستپاچگی و اقدام منفعلانه، پیامدهای این کار- به ویژه چالش‌های قضایی ناشی از این تغییر- را بررسی کنند که اگر چنین نشود، نه تنها ناکارآمدی راهبردهای مقابله با مواد مخدر را در پی خواهد داشت، بلکه به زودی باید برای چندمین بار منتظر تغییر و اصلاح قانون اصلاح (!) قانون مبارزه با مواد مخدر و بازگشت به عقب و در نتیجه سردرگمی و بلامتکلیفی قضات در این زمینه باشیم.

در ادامه نخست جلوه‌های «سیاست کیفری ارفاقی مواد مخدر»- شامل اسناد بالادستی، سیاست کیفری عمومی و سیاست کیفری خاص- و سپس چالش‌های نظری- دیدگاه منع مطلق و بایستگی مطلق مقررات ارفاقی- و چالش‌های کاربردی آن- خلاها و تعارضات قانونی- مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- جلوه‌های سیاست کیفری ارفاقی در قلمرو مواد مخدر

سیاست کیفری ارفاقی مواد مخدر یافتگاه‌های متعددی دارد؛ اسناد بالادستی، سیاست کیفری عمومی و سیاست کیفری ویژه مواد مخدر یافتگاه‌های اصلی این سیاست است.

۱-۱- اسناد بالادستی

در ایران نیز همانند بسیاری از کشورها (جون و کاترین، ۲۰۰۴: ۷) استفاده از

همه مایل است این خبر را پخش کند و در صدد است این اسناد را به زبان‌های مهم و کلیدی منطقه برگرداند.

راهکارهای ارفاقی به ویژه در جهت حبس زدایی یکی از مهمترین سیاست‌های اعلامی در اسناد بالادستی است.

بند ۶۴ سیاست‌های کلی نظام - ابلاغی از سوی رهبر انقلاب در برنامه ششم توسعه-، در خصوص «بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرایم»، بند ۱۴، سیاست‌های کلی نظام درباره‌ی «امنیت قضائی»- ابلاغ شده در تاریخ ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ - ناظر به «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان»، و همچنین سند تحول قضائی - ابلاغ شده به اعضای شورای عالی قوه قضائیه و روسای دادگستری‌های استان در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰- از جمله اسناد بالادستی است (بهره مند، ۱۳۹۶: ۳۶۰) که نشان دهنده سیاست کیفری کشور در چارچوب حبس زدایی و ارفاقی شدن است.

در سند تحول قضایی ذیل مأموریت ششم «اصلاح مجرمان» در بخش راهکارها، طراحی و پیگیری اعمال شیوه‌های ترمیمی در دادرسی و استفاده اثربخش از نهادهای ارفاقی از جمله مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم، تعلیق تعقیب و اجرای مجازات و آزادی تحت نظارت الکترونیک و ضمانت اجراهای غیرکیفری مؤثر و روزآمد با فراهم‌سازی امکان نقش‌آفرینی نهادهای مردمی، ایجاد زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم از جمله تعریف فرایند اعمال نهادهای ارفاقی، طراحی شاخص‌های سنجش‌پذیر و ارزیابی نتایج آن، ایجاد ساختار سازمانی متناسب و ایجاد «سامانه اطلاعات نهادهای ارفاقی» مشتمل بر مواردی از جمله اطلاعات افراد مشمول، نوع نهاد ارفاقی صادره و نتیجه اقدامات انجام شده به منظور رصد مستمر وضعیت افراد پیش بینی شده است.

رویکرد حبس زدایی مسئولان عالی نظام و قوه قضائیه با استفاده از نهادهای ارفاقی و جایگزین‌های زندان، ناشی از تبعات و پیامدهای ناگواری است که حبس‌گرایی - به ویژه تعیین طول مدت بر مبنای اندازه مواد مخدر- (صادقی، فرجیها، حبیب‌زاده و

امیدی، ۱۳۹۶: ۸۳) برای متهم، خانواده او و جامعه دارد.

این رویکرد از این جهت اهمیت دوچندانی دارد که آمارهای رسمی بیانگر ۱۳۰۰۰۰۰ معتاد است که سالانه بیش از ۵۰۰ تن مواد مصرف می کنند و براساس آمار حدود ۶۵ درصد جرایم به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مواد مخدر ارتباط داشته اند (آلبرشت، ۱۳۹۵: ۴۸).

مزایای اقتصادی حبس زدایی از مواد مخدر و همچنین صرفه جویی در هزینه های سلامت هم از دیگر جنبه هایی است که باید مد نظر قرار گیرد. در آمریکا برآورد شده که در صورت آزادسازی مواد مخدر، تنها در فاصله سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ می تواند سالانه بین ۱۲ تا ۲۰ درصد یعنی معادل ۴۴ میلیارد دلار صرفه جویی در هزینه ها را در پی داشته باشد. (مولسای، پردمار و ماتک، ۲۰۱۴: ۶).

هر چند هم اکنون درگفتمان های رسمی مسئولان کمتر به هزینه های اقتصادی مبارزه سخت با مواد مخدر اشاره می شود لکن روشن است که اقتصاد مواد مخدر را هم نباید در این زمینه بی تأثیر دانست و چه بسا در آینده این موضوع بی پرده تر مطرح شود.

۱-۲- سیاست کیفری عمومی

به باور بسیاری از نویسندگان، سیاست کیفری عمومی ایران در یک دهه اخیر در چارچوب راهبرد ارفاقی شدن نظام کیفری بوده است. بستر اصلی این سیاست، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ و از بارزترین جلوه های آن ایجاد نهادهایی همچون معافیت قضایی، تعویق صدور حکم، تعلیق ساده و مراقبتی، مجازات های جایگزین زندان، نظام نیمه آزادی، آزادی تحت نظارت و نظام واکنش علیه جرایم اطفال و نوجوانان است (سبزواری نژاد، ۱۳۹۶: ۴۲۹).

همچنین تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ و ایجاد نهادهایی همچون تعلیق تعقیب، ترک تعقیب، بایگانی کردن پرونده، تسلیم به رأی و ... نیز از دیگر

جلوه های سیاست کیفری ارفاقی عمومی در ایران است.

افزون بر این، تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و اصلاح و کاهش مدت مجازات حبس جرایم خاص، تشویق قضات به تعیین حداقل حبس قانونی، گسترش دامنه جرایم قابل گذشت و تعدیل حبس در آن جرایم و نیز تعدیل مقررات ناظر بر تعدد جرم و ... نیز گرایش تقنینی در چارچوب سیاست کیفری ارفاقی را نشان می دهد.

۳-۱- سیاست کیفری خاص

به گفته برخی محققان، سیاست جنایی تقنینی در دهه هشتاد در مورد جرایم مواد مخدر - به استثنای پدیده اعتیاد - عمدتاً مبتنی بر شدت مجازاتها نظیر اعدام، حبس ابد و دادرسی افتراقی غیر عادلانه بود و قانونگذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازاتهای سنگین و شدید، «سیاست جنایی تسامح صفر»^۱ یا بدون تسامح را در پیش گرفته بود (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۰)، اما در یک دهه گذشته و در پرتو اعمال مقررات ارفاقی، تعدیل و چرخش سیاست کیفری از سیاست تشدید اولیه به سیاست ارفاقی - اغمازی به روشنی دیده می شود (بهره مند، احمدزاده و رستمی، ۱۳۹۶: ۴۲).

در این راستا ماده ۴۵ الحاقی مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ مبنی بر محدود کردن مجازات اعدام به چهار مورد خاص و تبدیل مجازات «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن؛ و نیز تقلیل مجازات «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو، نیز در دل خود دارای رویکرد ارفاقی در زمینه مواد مخدر است (حیدری، ۱۴۰۱: ۱۴۴). آخرین مورد از این سیاست ارفاقی را می

۱. روش «مدارای صفر یا سرکوب محض» ترجمه واژه «Tolerance» «Zero» است. روش مذکور که در اثر ازدیاد خشونتها و ناامنی شهری در برخی از ایالتهای آمریکا چون نیویورک بکار گرفته شده بود و نتایج مثبتی هم در پی داشت توسط برخی جرمشناسان فرانسوی مورد توجه و ستایش قرار گرفت؛ در این روش قانونگذار به پلیس و دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری اختیار مبارزه سختگیرانه و سرکوبگرانه داده بود به نحوی که هیچگونه تساهلی در مبارزه با بزهکاران در نظر گرفته نمی شد. (جوانمرد، ۱۳۹۳: ۲۴)

توان در طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و تبصره الحاقی به ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر دید که به موجب آن کلیه تدابیر ارفاقی و اصلاحی موجود در قانون مجازات اسلامی در خصوص مرتکبین جرایم مواد مخدر- به جز مرتکبین دارای شرایط موضوع بندهای الف و ب و پ و ت ماده ۴۵- قابل اجرا دانسته شده است. افزون بر این، آراء وحدت رویه شماره ۷۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۳۰، شماره ۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰، شماره ۷۷۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۰، شماره ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۶، شماره ۸۱۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۰، شماره ۷۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴، شماره ۷۷۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۰ و شماره ۱۳۹۸/۹/۱۹.۷۸۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز، بر «سیاست قضایی ارفاقی» در زمینه مواد مخدر دلالت دارند.

بر پایه آنچه گفته شد، در سال های اخیر سیاست کیفری عمومی کشور و نیز سیاست کیفری ویژه مواد مخدر، در راستای کاهش مجازات قانونی، زندان زدایی و تعدیل و تطیف روش های اجرای آن بوده است و چه بسا دلایل این امر در ناکارآمدی روش های سختگیرانه پیشین در مبارزه با بزهکاری نهفته باشد.

۲- چالش های سیاست کیفری ارفاقی در قلمرو مواد مخدر

تحول سیاست کیفری مواد مخدر از سیاست «سخت گیرانه» به سیاست «ارفاقی» با چالش های نظری و کاربردی روبروست.

۲-۱- چالش های کاربردی

چالش های کاربردی سیاست کیفری ارفاقی در مواد مخدر ناشی از خلأها و تعارضات قانونی است که در عمل زمینه سردرگمی و عدم همراهی قضات با سیاست کیفری تقنینی را فراهم می آورد.

۱-۱-۲- خلائهای قانونی

در طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تنها به مقررات ارفاقی قانون مجازات اسلامی اشاره شده است، در حالیکه بسیاری از مقررات ارفاقی - و چه بسا دارای آثار ملموس تر- در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. عدم اشاره به قانون آیین دادرسی کیفری در این طرح - با وجود اقتضاء بیان -، کاربرد ساز و کارهایی مانند بایگانی کردن پرونده (ماده ۸۰ ق.آ.د.ک.)، تعلیق تعقیب (ماده ۸۱ ق.آ.د.ک.)، تسلیم به رأی (ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک.) که در راستای قواعدی مانند موقعیت داشتن تعقیب (حاجی ده آبادی، صالحی و مرادی حسن آباد، ۱۳۹۶: ۵۸) و توافقی شدن دادرسی (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۳۹) تأسیس شده اند را با ابهام روبرو کرده است.

۲-۱-۲- تعارضات قانونی

کاربست سیاست کیفری ارفاقی در قلمرو مواد مخدر در مرحله اجراء با تعارضاتی بین قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری روبرو خواهد بود. نمونه هایی از این دست تعارضات عبارتند از: تعارض ناشی از حداکثر زمان بازداشت موقت بین ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۳۷ قانون مبارزه با مواد مخدر؛ تعارض ناشی از مراحل و فرایند وصول جزای نقدی و امکان تخفیف قانونی جزای نقدی بین ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر و ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری؛

۱. برابر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یکسال تجاوز نمی کند. ولی برابر ماده ۳۷ قانون مبارزه با مواد مخدر، طول مدت بازداشت موقت به هر حال بیش از ۴ ماه نخواهد بود. در نتیجه بازه دو ماهه بازداشت موقت ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک. برای متهم به جرم دارای کیفر سلب حیات نسبت به بازه چهارماهه ماده ۳۷ ق.م.م.م. ارفاقی به شمار می آید، از این روی امکان اعمال این قانون در جرایم مواد مخدر اهمیت زیادی دارد.

۲. برابر ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند باید به ازای روزی ده هزار ریال در زندان های نیمه باز و بازو یا مراکز اشتغال و حرفه آموزی اقامت نمایند در حالی که برابر قانون آیین دادرسی کیفری، فرایند وصول جزای نقدی از جهت امکان توقیف حقوق محکوم علیه، امکان تقسیط پرداخت جزای نقدی، امکان انجام خدمات عمومی رایگان ارفاقی است.

تعارض ناشی از مجازات مساعدت جنایی و امحاء یا اخفاء ادله جرم بین ماده ۲۳ قانون مبارزه با مواد مخدر و ماده ۵۵۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)^۱؛ تعارض بین ماده ۲۶ قانون مبارزه با مواد مخدر و ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در خصوص افتراء عملی^۲؛ تعارض بین ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۵ قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاقی مصوب ۰۹/۰۵/۱۳۸۹) در خصوص مباشرت معنوی^۳؛ تعارض بین ماده

افزون براین، اختیار قاضی اجرای احکام مبنی بر معاف کردن محکوم علیه از پرداخت بیست درصد جزای نقدی برای تبصره ۳ ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ارفاقی بودن این قانون نسبت به قانون مبارزه با مواد مخدر را نشان می دهد.

۱. برابر ماده ۵۵۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، هرکس برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند به یک تا سه سال حبس محکوم می شود، در حالیکه برابر مواد ۲۱ و ۲۳ قانون مبارزه با مواد مخدر، هرکس عالماً و عامداً مجرم مواد مخدر را فراری یا پناه دهد یا به امحاء یا اخفاء ادله جرم مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر داروئی اقدام کند، به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می شود و در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می شود.

۲. افتراء عملی، جاسازی عامدانه چیزهای در دسرساز در قلمرو ملکیت دیگری است منوط به اینکه فردی که اشیاء در تصرف او یافت شده تعقیب کیفری قرار گیرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۵۲۸) و از اتهام آن جرم تبرئه شود (آقایی نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۶). برابر ماده ۲۶ قانون مبارزه با مواد مخدر، هرکس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر داروئی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. در حالیکه برابر ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، افتراء عملی در جرایم عادی موجب محکومیت مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق است. افزون بر این، برابر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، افتراء عملی موضوع ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در زمره جرایم قابل گذشت است و برابر تبصره این ماده، حداقل و حداکثر مجازات های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابد.

۳. مباشرت معنوی ناظر به فرضی است که کسی از دیگری - فرد فاقد مسئولیت کیفری مانند نابالغ - برای ارتکاب جرم استفاده کند (گلدوزیان، ۱۴۰۱: ۱۴۶). برابر ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی، هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می شود، در حالیکه برابر ماده ۳۵ قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاقی مصوب ۰۹/۰۵/۱۳۸۹) هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند به یک ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشرت در جرم محکوم می شود. در مقام مقایسه، «مجازات قانونی همان جرم» نسبت به «یک ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم» خفیف تر است و «حداکثر مجازات معاونت در آن جرم» نسبت به «مجازات مباشر جرم» سبکتر و ارفاقیتر است.

۱۲۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاقی ۱۳۹۶/۰۷/۱۲) در خصوص مجازات سردستگی^۱؛ تعارض بین ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص میزان تخفیف مجازات^۲ و تعارض بین ماده تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ و ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تبدیل حبس های ابد به حبس درجه یک^۳.

۱. برابر ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱، هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد... در حالیکه برابر ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاقی ۱۳۹۶/۰۷/۱۲) مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم می‌شوند: ... ب- در صورتی که مرتکب نقش سردستگی موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته باشد.

ارفاقی بودن قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون مبارزه با مواد مخدر به ویژه در مورد سردستگی در جرم مستوجب حبس ابد به چشم می‌آید، چون در قانون اخیر برای سردستگی در جرم مستوجب حبس ابد مجازات اعدام و ضبط اموال پیش بینی شده، در حالیکه در قانون مجازات اسلامی، سردستگی در جرم تعزیری اعدام ندارد.

۲. برابر ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، مجازات حبس درجه چهارم یا بالاتر را به میزان یک تا سه درجه و حبس درجه پنجم و درجه شش را به میزان یک تا دو درجه تقلیل داده یا این مجازات و مجازات حبس درجه هفت را حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه تبدیل کند؛ و همچنین می‌تواند مصادره اموال را به جزای نقدی درجه یک تا چهار تبدیل کرده و سایر مجازات های تعزیری را به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر تقلیل دهد (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۱۶۸) در حالیکه برابر ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد که در عمل مقررات تخفیف قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون مبارزه با مواد مخدر ارفاقی و مناسبتر به حال متهم است. با وجود این، به موجب نظریه مشورتی شماره ۰۷/۹۹/۴۰۷، مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه، «... به موجب ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر در مورد نحوه تخفیف مجازات های تعزیری در قانون مزبور مقررات خاصی پیش بینی شده است؛ لذا ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ در جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر، قابل اعمال نیست.»

۳. برابر نظریه مشورتی شماره ۴۱۷/۹۹/۷، مورخ: ۱۳۹۹/۴/۱۱ اداره حقوقی، مطابق ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱ مجازات مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات «حبس ابد» هستند بر حسب احراز یا عدم احراز یکی از شرایط مقرر در این ماده، به مجازات «اعدام» یا «حبس و جزای نقدی درجه ۲» حسب مورد «تبدیل» گردیده است لذا بحث نسخ یا تخصیص بین ماده مذکور و تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ (مبنی بر تبدیل تمام حبس های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک) اساساً سالبه به انتفاء موضوع است.

روشن است الحاق یک ماده قانونی و بسنده کردن به اعلام اجرای «کلیه تدابیر ارفاقی و اصلاحی موجود در قانون مجازات اسلامی» در خصوص مجرمین مواد مخدر، بدون توجه به تعارضات ناشی از اعمال این مقررات با مقررات دیگر قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، نه تنها اصل سیاست ارفاقی جدید را با اما و اگر مواجه می کند، بلکه موجب سردرگمی و بلاتکلیفی قضات و در نتیجه سرخوردگی آنان از تغییرات پی در پی قانون مبارزه با مواد مخدر و عدم همراهی آنان با سیاست تقنینی خواهد بود. تجربه قضایی در قلمرو مواد مخدر نیز، فاصله گرفتن و عدم همراهی سیاست قضایی با سیاست تقنینی را نشان می دهد. چه اینکه پیش از این یک بار قانونگذار ایران در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه سال ۱۳۸۹ آن سیاست جنایی مبتنی بر سرکوب و کیفر را محور خود قرار داده بود، اما همان گونه که محققان این قلمرو گفته اند، این سیاست جنایی چندان مورد اقبال سیاست جنایی قضایی (رویکرد دستگاه قضا) قرار نگرفته است (اکبری، ۱۳۹۳: ۷).

از سوی دیگر و همزمان با تعدیل های قانونی، اجرای طرح های ضربتی و فوری پلیسی مانند طرح های ظفر در برخورد با مجرمین مواد مخدر - که با ادعای خلأ قانونی و عدم همراهی دستگاه قضایی در مبارزه با مواد مخدر انجام می شوند - نشانگر چندگانگی اجزای یک مجموعه است و پیامد چنین شکاف و عدم همراهی، چیزی جز شکست راهبردهای مبارزه با مواد مخدر نخواهد بود.

۲-۲- چالش های نظری

به جرأت می توان گفت بخشی از چالش کاربردی سیاست کیفری ارفاقی در زمینه مواد مخدر، ناشی از وجود دیدگاه های گوناگون در زمینه سیاست کیفری مطلوب در قبال جرایم مواد مخدر است. از این رو تبیین دیدگاه های مختلف و تعریف چارچوب نظری درست در این زمینه، راهگشای چالش های کاربردی خواهد بود.

۱-۲-۲- دیدگاه منع مطلق مقررات ارفاقی

برابر این دیدگاه، قانون مبارزه با مواد مخدر قانون خاص و مقدم است و قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی قوانین عام مؤخر هستند و طبق قواعد اصولی، عام مؤخر، ناسخ خاص مقدم نیست. بنابراین، مقررات قانون مبارزه با مواد مخدر - اعم از اینکه به نفع متهم باشد یا به ضرر او -، باید اجراء شود (اداره حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۹۲: ش ۹۰۰۰/۴۰۴۳) و در نتیجه نهادهای ارفاقی قوانین دوگانه در مورد جرایم مواد مخدر قابل اعمال نیست، به ویژه که قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و قوانین دوگانه مصوب مجلس شورای اسلامی است و برابر نظر تفسیری شماره ۵۳۱۸ - ۱۳۷۲/۰۷/۲۴ شورای نگهبان، هیچ یک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقص و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۱).

نص تبصره کنونی ماده ۴۵ قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مبنی بر منع اعمال نهادهای ارفاقی - به جز عفو رهبری - در خصوص جرایم مواد مخدر در راستای این دیدگاه است.

همین رویکرد در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی به چشم می خورد که جرایم سنگین از جمله قاچاق مواد مخدر - حتی شروع به جرم آن نیز - از شمول مقررات ارفاقی مستثنی است. همچنین وضع مقررات متفاوت با قانون مجازات اسلامی - در عین آگاهی و وقوف از مقررات آن -، می تواند بیانگر اتخاذ سیاست متفاوت در قبال جرایم مواد مخدر باشد.

از جنبه تحلیلی نیز سیاست ارفاقی تنها در خصوص جرایم یا افراد و گروه هایی در پیش گرفته می شود که خطر کمی برای جامعه دارند از این روی غالباً جرایم سبک یا جرایم زنان (ویلیامز، ۲۰۰۴: ۱۱) یا اطفال و نوجوانان (مهر، ۱۳۸۵: ۴۱) مشمول سیاست کیفری ارفاقی قرار می گیرد، اما جرایم سنگین و مجرمین خطرناک در بیشتر نظام های

کیفری از ارفاقات قانونی محروم هستند و جرایم مواد مخدر نیز چون پیامدهای ویرانگری برای فرد، خانواده و جامعه دارد، نمی تواند مشمول مقررات ارفاقی قرار گیرد.

۲-۲-۲- دیدگاه بایستگی مطلق مقررات ارفاقی

برابر این دیدگاه، قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، به جهت اخیرالتصویب بودن نسبت به قانون مبارزه با مواد مخدر، بیانگر اراده پسینی قانونگذار است و در مواردی که قانونگذار در یک موضوع خاص دو حکم داشته باشد، حکمی که نشانگر تازه ترین اراده مقنن است باید بکارگرفته شود چراکه اراده پسین، نشان دهنده عدول از اراده پیشین و نادیده گرفتن و در نتیجه نسخ اراده مقدم است.

اصلاحات چندباره قانون مبارزه با مواد مخدر و ملایم سازی برخوردهای کیفری و نیز پذیرش و ارجاع به برخی مواد قانون مجازات اسلامی در آخرین اصلاحات قانون مبارزه با مواد مخدر (مانند ارجاع به ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی در بند ب ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر) پشتوانه این دیدگاه است.

در همین راستا، در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اعلام وصول شده که به موجب آن حداکثر و حداقل مجازات حبس تعزیری مواد مخدر در مورد محکومین فاقد سابقه کیفری مؤثر به نصف تقلیل یافته و مجازات های جایگزین زندان قابل اعمال شده است.

از این روشنتر، تبصره الحاقی به ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر است که به موجب آن کلیه تدابیر ارفاقی و اصلاحی در خصوص مرتکبین جرایم مواد مخدر- به جز مرتکبین دارای شرایط موضوع بندهای الف و ب و پ و ت ماده ۴۵- قابل اجرا دانسته شده است.

این امر -هر چند با اشکالات و نواقص فراوان-، در کل نشان دهنده حرکت قانونگذار ایران در راستای راهبرد جهانی کیفرزدایی و کاهش استفاده از زندان در برخورد

با مجرمین (مارتینز، ۲۰۱۸: ۱۶) و تغییر سیاست کیفری تقنینی مخدری و گذار از سیاست کیفری سختگیرانه به سیاست کیفری ارفاقی است و اعمال کامل و بدون استثنای مقررات ارفاقی، در راستای این چرخش راهبردی است.

۳- نقد و تحلیل

از دید نگارنده، دیدگاه نخست و استناد به نظریه تفسیری شورای نگهبان - با این استدلال که قانون مبارزه با مواد مخدر قانون خاص و مصوب مجمع تشخیص است و مجلس نمی‌تواند مقررات مصوب مجمع را نسخ کند-، درست به نظر نمی‌رسد، چرا که ماده ۴۶ قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاقی ۱۳۸۹/۰۵/۰۹) صراحتاً اصلاح این قانون توسط مجلس شورای اسلامی را بلامانع دانسته است.

همچنین، این سخن که سیاست قانونگذار در قبال مواد مخدر سیاست کیفری سختگیرانه است و به جهت آثار و تبعاتی که مواد مخدر برای سلامت جسمی و روانی فرد، خانواده و جامعه دارد قانونگذار سیاست مدارای صفر را در این زمینه اتخاذ کرده است، استدلال درستی نیست، چرا که اولاً از جنبه تقنینی در بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی هم تنها قاچاق عمده مواد مخدر از شمول تعویق و تعلیق استثناء شده است؛ و ثانیاً همین استثناء هم محدود به تعویق و تعلیق است و رویه قضایی خاص سایر نهادهای ارفاقی را قابل اعمال دانسته است. به عنوان نمونه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۷۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری - در خصوص تخفیف مجازات محکوم علیه در صورت اسقاط حق فرجامخواهی یا تجدیدنظرخواهی- از شمول مقررات تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ خارج شده است. همچنین برابر رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۸-۷۸۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که کیفر اعدام محکوم علیه در راستای عفو رهبری به حبس ابد تخفیف یافته، پس از تصویب ماده ۴۵

الحاقی و در جهت اعمال بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات موجود قابل اجراء پس از اعطای عفو، مبنای محاسبه و اعمال تخفیف دادگاه انقلاب قرار گرفته است، و به بیان دیگر، ارفاق (عفو رهبری)، ارفاق (تخفیف مجازات) آورده و تسلسل ارفاقات بلامانع است.

بنابراین حتی در صورت عدم پذیرش سیاست کیفری ارفاقی در مطلق جرایم مواد مخدر، باید بر آن بود که در خصوص جرایم غیر از قاچاق مواد مخدر و روانگردان و نیز قاچاق غیر عمده مواد مخدر و روانگردان، دلیلی بر کنار گذاشتن سیاست کیفری ارفاقی و کنار گذاشتن و نادیده گرفتن ظرفیت نهادهای ارفاقی وجود ندارد.

گفتنی است دیدگاه دوم نیز با این اشکال اساسی روبرو است که بیشتر جرایم مواد مخدر صرف نظر از عنوان مخدری آن، به جهت درجه بالا و سنگینی جرم، حتی در چارچوب شرایط عمومی نهادهای ارفاقی و قیود موجود در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری هم مشمول مقررات ارفاقی نخواهند بود تا چه رسد به اینکه در مقررات اصلاحی و ارفاقی جدید هم محدودیت هایی برای برخورداری مجرمین مواد مخدر از سیاست های ارفاقی در نظر گرفته شده است.

محدودیت نخست نداشتن سابقه کیفری مؤثر جهت نصف شدن میزان حبس جرایم مواد مخدر؛ و محدودیت دوم خارج شدن مرتکبین دارای شرایط بندهای الف و ب و پ و ت ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر (مقدار زیاد ماده مخدر، داشتن سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال، سردستگی یا سرمایه گذاری و پشتیبانی مالی، استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم) از شمول مقررات ارفاقی است.

بنابراین، از یک سو تغییرات و تحولات تقنینی - قضایی جدید در قلمرو جرایم مواد مخدر در راستای سیاست کیفری ارفاقی است و از سوی دیگر اصل محدودیت در اعمال مقررات ارفاقی در خصوص جرایم مواد مخدر صرف نظر از علل آن -، قابل انکار

نیست.

در مقام جمع بین این دو رویکرد، نگارنده «کاربست موازنه‌ای» مقررات ارفاقی را راهگشا می‌داند. بدین معنی که تصمیم‌گیری در خصوص اعمال مقررات قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی و یا اعمال مقررات قانون مبارزه با مواد مخدر، نمی‌تواند تابع یک قاعده و روش یکسان باشد، بلکه حل تعارض و اجرای هر یک از این مقررات باید به صورت موردی و در پرتو تغییر و تحول و چرخش سیاست کیفری مواد مخدر و گذار از سیاست کیفری سختگیرانه کنونی (تبصره ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر) به سیاست کیفری ارفاقی مطلوب (تبصره طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مبنی بر حذف تبصره ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر) و بر مبنای نتیجه‌گرایی (ارفاقی بودن و به نفع متهم بودن نتیجه اعمال هر کدام از قوانین) باشد.

آنچه گفته شد راهکار برون‌رفت از تعارضات قانونی به عنوان پشتوانه و مکمل سیاست کیفری ناقص تقنینی است تا قضات محترم بر پایه چنین رویکردی ابهامات را تفسیر کرده و تعارضات را رفع نمایند.

اما در خصوص بستر تقنینی سیاست کیفری جدید، از دید نگارنده، باید متن کنونی طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح شده و در آن علاوه بر مقررات ارفاقی قانون مجازات اسلامی، به «اعمال مقررات ارفاقی قانون آیین دادرسی کیفری» در خصوص جرایم مواد مخدر نیز اشاره گردد.

برآمد

اصلاحات چندباره، شتاب زده و نوسانی قانون مبارزه با مواد مخدر، بیشتر از آنکه نشان دهنده «انتخاب» راهبرد هدفمند در برخورد با مجرمین مواد مخدر و سیاست کیفری مشخصی باشد، نشانگر «ضرورت» راهکار درمانی زودگذر در جهت کاهش تعداد زندانیان و کاهش تعداد اعدام ها در جرایم مواد مخدر است.

در نگاه نخستین، طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری - که در نتیجه آن از یک سو حداکثر و حداقل مجازات حبس تعزیری جرایم مواد مخدر به نصف تقلیل می یابد و از سوی دیگر تبصره ماده ۴۵ کنونی حذف شده و تبصره جدید مبنی بر اعمال کلیه تدابیر و نهادهای ارفاقی قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم مواد مخدر جایگزین آن می شود-، نشانگر تحول و چرخش سیاست کیفری مواد مخدر و گذار از سیاست سختگیرانه به سوی سیاست ارفاقی است.

از سوی دیگر اجرای طرح های سختگیرانه و فوری پلیسی - امنیتی در جمع آوری و برخورد با معتادین متجاهر و فروشندگان خرد مواد مخدر- از جمله قریب به بیست مرحله از طرح ظفر-، و عدم همراهی و هماهنگی قضات با سرعت تغییرات تقنینی، همچنین خلأ قانونی در طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و نیز ابهام در رابطه قانون مبارزه با مواد مخدر با قوانینی مانند آیین دادرسی کیفری و نیز تعارضات قانونی، نشانگر نبود یک نظریه علمی به عنوان زیرساخت فکری سیاست کیفری ارفاقی در قلمرو مواد مخدر است. از این روی در موارد تعارض قانونی، تفسیر و تطبیق هر مقرره ای باید در راستای سیاست کیفری ارفاقی باشد.

به عنوان نمونه برابر بند پ ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی «جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر» از شمول مرور زمان خارج است، اما دامنه این جرایم مورد ابهام است ولی با نظر به اینکه در بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تنها «قاچاق عمدۀ مواد مخدر» از شمول تعویق و تعلیق خارج است، بند پ ماده ۱۰۹ را هم باید در

راستای سیاست ارفاقی تفسیر کرده و تنها قاچاق عمده مواد مخدر را از شمول مرور زمان خارج دانست.

نمونه دیگر قابل گذشت محسوب شدن کلیه جرایم تعزیری درجه پنج و پایین تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده (موضوع ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) است که در خصوص جرایم مواد مخدر مورد ابهام است، لکن در راستای سیاست کیفری ارفاقی جرایم مواد مخدر - که در راستای تفسیر به نفع متهم نیز هست - جرم مخدري (مانند ماده ۲۶ قانون مبارزه با مواد مخدر) ارتكابی توسط زیر هجده ساله را باید قابل گذشت دانسته و حداقل و حداکثر مجازات حبس تعزیری را به نصف تقلیل داد.



منابع

الف) فارسی

- اکبری، عباسعلی، «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
- آقای نی، حسین، **جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)**، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، زمستان ۱۳۹۲ ش.
- آلبرشت، هانس یوگ، **تورم جمعیت زندان ها؛ در جست و جوی کارآمدترین راه حل ها**، ترجمه و تحقیق: محمدعلی اردبیلی، حمید بهره مند، بهزاد رضوی فرد، حسین میرمحمدصادقی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، رحیم نوبهار، امیرحسین نیازپور، تهران، مرکز تحقیقات استراتژی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۵ ش.
- بهره مند، حمید، **سیاست حبس زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۸۲، بهار ۱۳۹۶ ش.
- بهره مند، حمید؛ احمدزاده، رسول و رستمی، سینا، «**واکاوی نهادهای ارفاقی در جرایم مواد مخدر**»، فصلنامه کارآگاه، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۶ ش.
- جوانمرد، بهروز، **تسامح صفر؛ سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرایم خرد**، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ صالحی، خلیل و مرادی حسن آباد، محسن، «**موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی**»، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
- حیدری، علی مراد، **سیاست کیفری مخدري ایران و افغانستان**، چاپ اول، قم، انتشارات الحان، ۱۴۰۱ ش.

- خلیل زاده، ایرج و حسنی، میثم، **محشای قانون مبارزه با مواد مخدر**، چاپ اول، تهران، خرسندی، ۱۳۹۸ش.
- ذبحی، حسین، **مجموعه محشای قانون مبارزه با مواد مخدر**، چاپ دوم، تهران، نگاه بینه، ۱۴۰۰ش.
- رحیمی پور، ایمان؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ محقق داماد، سید مصطفی و فرجیها، محمد، «**سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر؛ مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرغال و کانادا**»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵ش.
- سبزواری نژاد، حجت، **دوره کامل حقوق جزای عمومی ایران**، چاپ سوم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۶ش.
- شمس ناتری و همکاران، محمدابراهیم، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، جلد اول حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، زمستان ۱۳۹۲ش.
- صادقی، آزاده؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد و امید، جلیل، «**پیامدهای تعیین کیفر در جرائم مواد مخدر بر پایه کمیت مواد در نظام تقنینی ایران و ایالت متحده آمریکا**»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶ش.
- گلدوزیان، ایرج، **بایسته های حقوق جزای عمومی**، چاپ بیست و پنجم، تهران، میزان، ۱۴۰۱ش.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، **سیاست جنایی قضایی**، چاپ دوم، تهران، سلسبیل، بهار ۱۳۸۵ش.
- مهر، نسرین، «**قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده**»، آموزه های حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۲۰، بهار و تابستان

۱۳۸۵ ش.

مؤذن زادگان، حسینعلی و فرجی، محمد، «مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و آمریکا در برابر مواد مخدر»، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.

میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ چهاردهم، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۹۳ ش.

نیازیور، حسن، *توافقی شدن آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.

الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی* جلد اول: جرم و مجرم، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۴۰۰ ش.

ب) انگلیسی

Martinez, Benny (March 8, 2018), *More Imprisonment Does Not Reduce State Drug Problems*, U.S. Policy U.S. State Policy, Public Safety Performance Project.

Blumenson, Eric; Eva S. Nilsen (16 May 2002), *How to construct an underclass, or how the War on Drugs became a war on education, Drug Policy Forum of Massachusetts*. Archived from the original on 22 June 2010. Retrieved 12 August 2015.

Andrew W. Mulcahy, Zachary Predmore, and Soeren Mattke (2014), *The Cost Savings Potential of Biosimilar Drugs in the United States*, The U.S. Food and Drug Administration (FDA), Expert insights on a timely policy issue, RAND CORPORATION.

John D. and Catherine T.(20004), *DRUG POLICY AND THE CRIMINAL JUSTICE SYSTEM*, The Sentencing Project, Washington DC: <http://www.Sentencingproject.org>

LaVerne McQuiller Williams (Winter, 2004), *Women, Crime, and Criminal Justice*, Women's Studies Quarterly, Vol. 32, No. 3/4, Women, Crime,

and the Criminal Justice System, pp. 6-13

Poulin, Christiane(2006), ***Harm reduction policies and programs for youth***, Canadian Center on Substance Abuse.

